



دانشگاه سیام نور

## کلیات فلسفه

دکتر زینب شکیبی      دکتر سیدعلی علم الهدی

دکتر جلال پیکانی

«امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است.»<sup>۱</sup>

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چند هزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه‌ی فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه‌ی الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه‌ی مطالعه‌ی هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره‌ی دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه‌ی دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه‌ی بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

---

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده‌ی عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه‌ی انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره‌ی جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه‌ی مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه‌ی خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

## فهرست مطالب

| پیشگفتار                                               | یازده |
|--------------------------------------------------------|-------|
| بخش اول: سیر تفکر فلسفی در اروپا                       | ۱     |
| فصل اول: دوره یونان باستان از تالس تا سقراط            | ۵     |
| هدف کلی                                                | ۵     |
| هدف‌های یادگیری                                        | ۵     |
| مقدمه                                                  | ۶     |
| ۱-۱ ملطیان                                             | ۶     |
| ۱-۱-۱ تالس                                             | ۷     |
| ۱-۱-۲ آناکسیمندر                                       | ۸     |
| ۱-۱-۳ آناکسیمنس                                        | ۹     |
| ۱-۲ فیثاغورس                                           | ۱۰    |
| ۱-۳ هراکلیتوس                                          | ۱۱    |
| ۱-۴. پارمنیدس                                          | ۱۲    |
| ۱-۵ اتمیان                                             | ۱۳    |
| ۱-۶ سوفسطائیان                                         | ۱۴    |
| ۱-۷ سقراط (۴۷۰-۳۹۹ ق.م)                                | ۱۵    |
| خلاصه فصل اول                                          | ۱۶    |
| خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول                         | ۱۷    |
| فصل دوم: سیر فلسفه از افلاطون تا پایان دوره اسکولاستیک | ۱۸    |
| هدف کلی                                                | ۱۸    |
| هدف‌های یادگیری                                        | ۱۸    |
| مقدمه                                                  | ۱۹    |
| ۱-۲ فلسفه افلاطون                                      | ۱۹    |

|    |                                                                                           |
|----|-------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۲۰ | ۱-۲ دیدگاه افلاطون پیرامون دو نظریه رقیب                                                  |
| ۲۱ | ۲-۱-۲ وجودشناسی افلاطون                                                                   |
| ۲۱ | ۲-۱-۳ معرفت در نگاه افلاطون                                                               |
| ۲۳ | ۲-۲ فلسفه ارسطو                                                                           |
| ۲۵ | ۱-۲-۲ وجودشناسی ارسطو                                                                     |
| ۲۸ | ۲-۲-۲ منطق ارسطویی                                                                        |
| ۳۰ | ۳-۲ دوره یونانی مآبی                                                                      |
| ۳۰ | ۲-۳-۱ اپیکوریان                                                                           |
| ۳۱ | ۲-۳-۲ رواقیان                                                                             |
| ۳۲ | ۲-۳-۳ دوره دوم شکاکیت                                                                     |
| ۳۲ | ۲-۳-۴ فلسفه نوافلاطونی                                                                    |
| ۳۳ | ۲-۴ فلسفه مدرسی (اسکولاستیک)                                                              |
| ۳۴ | ۲-۴-۱ آگوستین                                                                             |
| ۳۵ | ۲-۴-۲ آکوئیناس                                                                            |
| ۳۷ | خلاصه فصل دوم                                                                             |
| ۳۷ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم                                                            |
| ۳۹ | <b>فصل سوم: دوره جدید (مدرن) در تفکر فلسفی غرب</b>                                        |
| ۳۹ | هدف کلی                                                                                   |
| ۳۹ | هدف‌های یادگیری                                                                           |
| ۴۰ | مقدمه                                                                                     |
| ۴۲ | ۳-۱ خردگرایی                                                                              |
| ۴۴ | ۳-۱-۱ دکارت                                                                               |
| ۴۶ | ۳-۱-۲ پیروان دکارت (کارتزین‌ها)                                                           |
| ۴۸ | ۳-۲ تجربه‌گرایی                                                                           |
| ۵۳ | ۳-۳ ایده‌آلیسم کانت                                                                       |
| ۵۵ | ۳-۴ ایده‌آلیسم هگل                                                                        |
| ۵۷ | خلاصه فصل سوم                                                                             |
| ۵۷ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم                                                            |
| ۵۹ | <b>فصل چهارم: مکاتب فلسفی معاصر پوزیتیویسم، فلسفه تحلیلی، اگزیستانسیالیسم، پراگماتیسم</b> |
| ۵۹ | هدف کلی                                                                                   |
| ۵۹ | هدف‌های یادگیری                                                                           |
| ۶۰ | مقدمه                                                                                     |
| ۶۰ | ۴-۱ پوزیتیویسم                                                                            |
| ۶۳ | ۴-۲ فلسفه تحلیلی                                                                          |
| ۶۶ | ۴-۳ اگزیستانسیالیسم                                                                       |
| ۷۰ | ۴-۴ پراگماتیسم                                                                            |

|     |                                                                  |
|-----|------------------------------------------------------------------|
| ۷۱  | خلاصه فصل چهارم                                                  |
| ۷۲  | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم                                 |
| ۷۵  | بخش دوم: آشنایی با فلسفه اسلامی                                  |
| ۷۹  | فصل پنجم: استقلال فلسفه اسلامی از تفکر فلسفی یونان               |
| ۷۹  | هدف کلی                                                          |
| ۷۹  | هدف‌های یادگیری                                                  |
| ۸۰  | مقدمه (سؤال از چیستی فلسفه اسلامی)                               |
| ۸۰  | ۱-۵ تقابل دین و فلسفه، محور شکل‌گیری فلسفه اسلامی                |
| ۸۱  | ۲-۵ فلسفه اسلامی ادامه فلسفه یونانی و نوافلاطونی                 |
| ۸۱  | ۱-۲-۵ خاورشناسان                                                 |
| ۸۲  | ۲-۲-۵ مورخان فلسفه با گرایش کاتولیکی                             |
| ۸۳  | ۳-۲-۵ ناسیونالیسم عربی                                           |
| ۸۵  | ۳-۵ نقد دیدگاه‌های سه‌گانه                                       |
| ۸۵  | ۱-۳-۵ معنای «اسلامی» در فلسفه اسلامی                             |
| ۸۶  | ۲-۳-۵ جایگاه فلسفی تمایز «ماهیت و وجود» در اندیشه مشائیان مسلمان |
| ۸۸  | ۳-۳-۵ رقابت مشائیان مسلمان با سایر نحله‌های فکری                 |
| ۸۸  | ۴-۵ ماهیت فلسفه اسلامی                                           |
| ۸۹  | خلاصه فصل پنجم                                                   |
| ۹۰  | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم                                  |
| ۹۲  | فصل ششم: مشائیان مسلمان نخستین                                   |
| ۹۲  | هدف کلی                                                          |
| ۹۲  | هدف‌های یادگیری                                                  |
| ۹۳  | مقدمه                                                            |
| ۹۴  | ۱-۶ کندی                                                         |
| ۹۴  | ۱-۱-۶ نوآوری در مفهوم‌سازی از خداوند                             |
| ۹۵  | ۲-۱-۶ پذیرش حادث‌بودن هستی                                       |
| ۹۶  | ۲-۶ ابونصر، محمدبن طرخان فارابی                                  |
| ۹۷  | ۱-۲-۶ تمایز وجود از ماهیت                                        |
| ۹۸  | ۲-۲-۶ نوآوری در روش اثبات خداوند                                 |
| ۹۸  | ۳-۶ ابن‌سینا                                                     |
| ۹۸  | ۱-۳-۶ نهادینه‌کردن بحث تمایز «وجود و ماهیت» در فلسفه             |
| ۹۹  | ۲-۳-۶ طرح بحث «وجوب و امکان و امتناع» (مواد ثلاث) در فلسفه       |
| ۱۰۰ | ۳-۳-۶ تقسیم معقولات (کلیات) به اولی و ثانی                       |
| ۱۰۰ | ۴-۳-۶ نظریه وجود ذهنی                                            |
| ۱۰۱ | خلاصه فصل ششم                                                    |

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۱۰۲ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم                               |
| ۱۰۴ | فصل هفتم: جریان‌های فکری پس از ابن‌سینا تا مکتب حکمت متعالیه |
| ۱۰۴ | هدف کلی                                                      |
| ۱۰۴ | هدف‌های یادگیری                                              |
| ۱۰۵ | مقدمه                                                        |
| ۱۰۶ | ۱-۷ جریان کلامی                                              |
| ۱۰۷ | ۱-۷-۱ غزالی                                                  |
| ۱۰۸ | ۱-۷-۲ فخر رازی                                               |
| ۱۰۹ | ۲-۷ جریان عرفان و تصوف                                       |
| ۱۱۱ | ۳-۷ جریان فلسفی                                              |
| ۱۱۲ | ۱-۳-۷ فلسفه در غرب جهان اسلام                                |
| ۱۱۳ | ۲-۳-۷ جریان فلسفی حکمت اشراق                                 |
| ۱۱۵ | ۳-۳-۷ جریان فلسفه مشایی                                      |
| ۱۱۶ | خلاصه فصل هفتم                                               |
| ۱۱۷ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم                              |
| ۱۱۸ | فصل هشتم: فلسفه ملاصدرا                                      |
| ۱۱۸ | هدف کلی                                                      |
| ۱۱۸ | هدف‌های یادگیری                                              |
| ۱۱۹ | مقدمه                                                        |
| ۱۲۰ | ۱-۸ اصالت وجود و تشکیک وجود                                  |
| ۱۲۳ | ۲-۸ حرکت جوهری                                               |
| ۱۲۴ | ۳-۸ حدوث جسمانی نفس                                          |
| ۱۲۴ | ۴-۸ اتحاد عاقل و معقول                                       |
| ۱۲۵ | خلاصه فصل هشتم                                               |
| ۱۲۶ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم                              |
| ۱۲۷ | بخش سوم: معرفت‌شناسی و فلسفه علم                             |
| ۱۲۹ | فصل نهم: معرفت‌شناسی                                         |
| ۱۲۹ | هدف کلی                                                      |
| ۱۲۹ | هدف‌های یادگیری                                              |
| ۱۳۰ | مقدمه                                                        |
| ۱۳۱ | ۱-۹ زمینه‌های تاریخی رشد شکاکیت و ضرورت پیدایش معرفت‌شناسی   |
| ۱۳۶ | ۲-۹ غایت معرفت‌شناسی                                         |
| ۱۳۸ | ۳-۹ معرفت چیست؟                                              |
| ۱۴۰ | ۱-۳-۹ مؤلفه باور                                             |
| ۱۴۱ | ۲-۳-۹ مؤلفه صدق                                              |

|     |                                                         |
|-----|---------------------------------------------------------|
| ۱۴۲ | ۳-۳-۹ مؤلفه توجیه                                       |
| ۱۴۴ | خلاصه فصل نهم                                           |
| ۱۴۵ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل نهم                          |
| ۱۴۶ | <b>فصل دهم: فلسفه علم</b>                               |
| ۱۴۶ | هدف کلی                                                 |
| ۱۴۶ | هدف‌های یادگیری                                         |
| ۱۴۷ | مقدمه                                                   |
| ۱۴۷ | ۱-۱۰ چیستی علم                                          |
| ۱۴۸ | ۱-۱-۱۰ تاریخچه مختصر فلسفه علم                          |
| ۱۴۹ | ۲-۱-۱۰ چرایی تحقق فلسفه علم                             |
| ۱۵۰ | ۲-۱۰ نظریه‌های اصلی در فلسفه علم                        |
| ۱۵۱ | ۱-۲-۱۰ استقرارگرایی و مخالفان آن                        |
| ۱۵۲ | ۲-۲-۱۰ پوزیتیویسم منطقی و اصل تحقیق‌پذیری               |
| ۱۵۳ | ۳-۲-۱۰ ابطال‌پذیری                                      |
| ۱۵۵ | ۴-۲-۱۰ توماس کوهن و عقلانی‌بودن علم                     |
| ۱۵۷ | خلاصه فصل دهم                                           |
| ۱۵۸ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دهم                          |
| ۱۵۹ | <b>فصل یازدهم: فلسفه و علوم اجتماعی</b>                 |
| ۱۵۹ | هدف کلی                                                 |
| ۱۵۹ | هدف‌های یادگیری                                         |
| ۱۶۰ | مقدمه                                                   |
| ۱۶۰ | ۱-۱۱ فلسفه و علوم اجتماعی در نزد کلاسیک‌های جامعه‌شناسی |
| ۱۶۱ | ۱-۱-۱۱ آگوست کنت                                        |
| ۱۶۲ | ۲-۱-۱۱ دورکیم                                           |
| ۱۶۳ | ۳-۱-۱۱ اسپنسر                                           |
| ۱۶۴ | ۲-۱۱ برخی مسائل مهم مشترک میان فلسفه و علوم اجتماعی     |
| ۱۶۵ | ۳-۱۱ ویتگنشتاین و علوم اجتماعی                          |
| ۱۶۶ | ۴-۱۱ علوم اجتماعی تجربی محض                             |
| ۱۶۷ | ۵-۱۱ پدیدارشناسی و علوم اجتماعی                         |
| ۱۶۸ | ۶-۱۱ بهره فلسفه از علوم اجتماعی                         |
| ۱۶۹ | خلاصه فصل یازدهم                                        |
| ۱۷۰ | خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل یازدهم                       |
| ۱۷۳ | <b>پاسخنامه</b>                                         |
| ۱۷۵ | <b>منابع</b>                                            |





## پیشگفتار

درس کلیات فلسفه از دروس مشترک میان بسیاری از رشته‌های علوم انسانی است. آنچه در سرفصل مصوب این رشته در برنامه‌ریزی وزارت محترم علوم، تحقیقات و فناوری آمده است، نشانگر آنست که هدف اصلی از تعریف درس یادشده در قالب دو واحد درسی برای این رشته‌ها، آشنایی دانشجویان با سیر کلی تفکر فلسفی می‌باشد. این اتفاق نیز به دو جهت برای دانشجویان در حوزه علوم انسانی اهمیت دارد: اول آنکه آشنایی با فلسفه و چگونگی تحول آرای فیلسوفان، موجب تقویت نگاه انتقادی در دانشجویان خواهد شد و دوم آنکه فهم عمیق تئوری‌ها و نظریات در رشته‌های مختلف علوم انسانی در گرو آشنایی با فلسفه‌های مضاف ناظر به این رشته‌ها از سوی دانشجویان است و آشنایی با این فلسفه‌های مضاف به نوبه خویش مستلزم آشنایی کلی و اجمالی با مباحث فلسفه محض و سیر تحول آرای فیلسوفان است.

این دو مهم باعث گردید درس کلیات فلسفه در مقطع کارشناسی دروس رشته‌هایی مانند روان‌شناسی و علوم تربیتی و علوم اجتماعی و الهیات و تاریخ و... گنجانده شود و کتاب‌های زیادی نیز از سوی اساتید و اعضای محترم هیئت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور درخصوص این عنوان درسی پدید آید.

اما نویسندگان این اثر در تألیف کتاب «کلیات فلسفه» چهار نکته را مدنظر قرار داده‌اند:

الف) این کتاب حتی‌الامکان به صورت عام و فراگیر تألیف گردد و مباحث فلسفه و سیر تحول آرا را صرفاً به صورت گزینشی طرح ننماید. زیرا در برخی آثار مشابه

نویسندگان محترم مطالب کتاب را به گونه‌ای جمع‌آوری و طرح کرده‌اند که صرفاً برای دانشجویان رشته روان‌شناسی یا فرضاً علوم تربیتی یا ... بیشتر قابل استفاده است و دانشجویان سایر رشته‌ها چندان امکان استفاده از آن متن را ندارند. مثلاً بیشتر مباحث علم‌النفس و یا انسان‌شناسی فیلسوفان و سیر تحول این آرا را مطرح کرده‌اند که برای دانشجویان روان‌شناسی قابل استفاده است و دغدغه‌های دانشجویان الهیات یا تاریخ یا علوم اجتماعی را پوشش نمی‌دهد. اما در این کتاب سعی شده واقعاً سیر تحول آرای فیلسوفان در مراحل مختلف تاریخ فلسفه و به صورت حتی الامکان همه‌جانبه طرح شود تا برای دانشجویان رشته‌های مختلف علوم انسانی مفید بوده و ایشان را با کلیت تحول آرای فیلسوفان در حوزه‌های مختلف وجودشناسی و معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی آشنا سازد.

ب) در این اثر سعی شده سیر تاریخ مسائل فلسفه بررسی شود و در مطالعه فیلسوفان بیش از آنکه خود فیلسوف مدنظر باشد، دیدگاه‌های او در نسبت با مسائل مطرح در نگاه فیلسوفان قبلی و تأثیری که بر روی اندیشه فیلسوفان بعدی گذاشته است، تبیین شود. لذا عملاً سیر تحول اندیشه‌ها و مسائل در فلسفه مطرح شده و این مهم به دانشجوی گرامی کمک می‌نماید با وجه انتقادی تفکر فلسفی بیش از پیش آشنا شود.

ج) ویژگی دیگر این اثر آنست که سعی نموده سیر ماجرای تفکر فلسفی در میان اندیشمندان مسلمان را در کنار اندیشمندان اروپایی ترسیم نماید و کمک کند دانشجوی محترم با میراث فلسفی مسلمانان به نحو اجمالی و در عین حال مؤثر آشنا شود و متوجه گردد متفکران مسلمان چه کوشش‌های کم‌نظیری در پدید آوردن یک نظام و سیر فلسفی مستقل از آنچه در حوزه تمدنی اروپا و آمریکا اتفاق افتاده است، مصروف داشته‌اند و بستر و شالوده سترگی برای حیات فکری مستقل امروزمین ما پدید آورده‌اند. این مهم در سایر آثار مشابه کمتر مورد اهتمام نویسندگان بوده است و می‌توان ادعا نمود مهم‌ترین وجه ممیزه این اثر با آثار مشابه می‌باشد.

د) ضمناً در بخش سوم این کتاب به حوزه معرفت‌شناسی و فلسفه علم به صورت مجزا نیز پرداخته شده است و این هم از آن‌رو است که این حوزه‌ها شالوده مباحث جدید در فلسفه‌های مضاف در رشته‌های مختلف علوم انسانی را می‌سازد. لذا لازم است به‌طور ویژه دانشجوی محترم با کلیت سیر مباحث در این دو حوزه آشنایی پیدا کند. این مزیت نیز در سایر کتبی که با عنوان کلیات فلسفه تهیه و تدوین شده است، مشاهده نگردید.

باتوجه به نکات چهارگانه فوق‌الذکر کتاب کلیات فلسفه به‌ترتیب در سه بخش «آشنایی با فلسفه اروپایی» و «آشنایی با فلسفه اسلامی» و «آشنایی با معرفت‌شناسی و فلسفه علم» تدوین گردیده است.

به امید آنکه بتواند نقشی کوچک و در عین حال مؤثر در ارتقای هرچه بیشتر آشنایی دانشجویان گرامی با فلسفه ایفا نماید. در پایان از همکاری صمیمانه معاونت محترم پژوهش دانشگاه پیام‌نور و همکاران محترم اداره کل تدوین کتب این دانشگاه با نویسندگان کمال امتنان و سپاس را داراست و ضمناً از نقطه‌نظرات کارشناسی ارزیابان و ویراستار علمی اثر نیز سپاسگزاریم و توفیقات روزافزون و هرچه بیشتر این عزیزان را از درگاه ایزدمنان خواستاریم.

زینب شکیبی  
سیدعلی علم‌الهدی  
جلال پیکانی  
اردیبهشت ماه ۹۹



# بخش اول

## سیر تفکر فلسفی در اروپا

(مؤلف: دکتر زینب شکیبی)

در نخستین گام از بخش‌های سه‌گانه کتاب کلیات فلسفه به تبیین ماجرای تفکر فلسفی در حوزه جغرافیایی اروپا و آمریکا (اصطلاحاً غرب) پرداخته می‌شود. آبخور بسیاری از مسائل عمده در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی چه در قسمت روش و چه در قسمت موضوع‌ها، فلسفه‌های مضافی مانند فلسفه روان‌شناسی و فلسفه تعلیم و تربیت و فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق و فلسفه اقتصاد و فلسفه تاریخ ... هستند. البته خود این فلسفه‌ها نیز به نوبه خویش بر فلسفه محض مبتنی شده‌اند. پس دانشجوی گرامی در رشته‌های مختلف علوم انسانی ناچار است برای فهم این مسائل عمده و فهم پاسخ‌ها و نظریاتی که در فلسفه‌های مضاف به این سؤالات داده می‌شوند، آبخور اصلی و عمده را ولو به نحو اجمالی فهم کند. پس ناگزیر است شناختی مسئله‌محور از سیر ماجرای فلسفه در جهان غرب کسب نماید. این اثر در بخش نخست که هم‌اکنون می‌خواهد آغاز شود، درصدد است این سیر را هم به شیوه تاریخی و هم در عین حال با توضیح ارتباط مسائل دوره‌های مختلف فلسفه با یکدیگر (به صورت سیر مسئله‌های فلسفه و نه صرفاً سیر تاریخی فیلسوفان) برای خواننده توضیح دهد. این مهم در چهار فصل «بررسی فلسفه یونان دوره باستان» و «فلسفه از افلاطون تا انتهای دوره اسکولاستیک» و

«فلسفه در دوره مدرن» و «فلسفه دوره معاصر» اتفاق افتاده است. البته از آنجا که کتاب مزبور برای دانشجویان مقطع لیسانس و جهت آشنایی اولیه ایشان با فلسفه نگاشته شده، سعی بر آن بوده است تا مطالب غامض فلسفی در نهایت آسان‌سازی به سمع و نظر خواننده گرامی برسد. ولی به هر رو با توجه به صعوبت ذاتی مباحث فلسفی به نظر می‌رسد دانشجوی عزیز نیز در مقام مطالعه و فهم این کتاب باید تلاش دوچندانی را به کار گیرد.

فلسفه از واژه لاتینی philo به علاوه Sophia به دست آمده که به معنای «دوستدار دانش» است و مشهور است سقراط این عنوان را در مقابل تفاخرهایی که شکاکان داشتند و عنوان سوفیست (به معنای دانشمند) را بر خویشان اطلاق می‌کردند، درخصوص خویش و شاگردانش به کار گرفت و از آن پس تاکنون واژه‌ای رایج جهت اشاره به مباحث وجودشناختی و معرفت‌شناختی و زیرمجموعه‌های این دو گردید.

فلسفه عموماً دارای سه حوزه کلی هستی‌شناسی<sup>۱</sup> و معرفت‌شناسی<sup>۲</sup> و فلسفه‌های مضاف<sup>۳</sup> (معرفت‌های درجه دوم) است که حوزه هستی‌شناسی مشتمل بر سه حیطه خداشناسی<sup>۴</sup> و جهان‌شناسی<sup>۵</sup> و انسان‌شناسی<sup>۶</sup> (علم‌النفس) می‌شود.

حوزه معرفت‌شناسی نیز عموماً به بحث از دو حیطه تئوری‌های صدق و تئوری‌های توجیه می‌پردازد. حوزه فلسفه‌های مضاف نیز به بحث از مبادی تصویری و تصدیقی علوم مختلف اشتغال دارد که از مهم‌ترین آن‌ها فلسفه روان‌شناسی و فلسفه اخلاق و فلسفه تاریخ و فلسفه فیزیک و فلسفه تعلیم و تربیت و .... است. اما چون به لحاظ تاریخی ابتدا دغدغه‌های وجودشناختی موجب ایده‌پردازی‌های فیلسوفان نخستین گردیده است در معرفی نحله‌ها و سیر مکاتب فلسفی بحث با فلسفه‌های هستی‌شناسانه آغاز می‌گردد و به مرور مسایل و مجادلات فلسفی رنگ و بوی معرفت‌شناسانه به خود می‌گیرد.

امروزه بیش از آنکه به فلسفه به صورت یک دانش نگرسته شود، نگاهی روش‌شناختی به فلسفه رایج شده است و اهمیت و کارکرد فلسفه را در پرورش تفکر

---

1. Ontology

2. Epistemology

3. Second degree knowledge

4. Theology

5. Cosmology

6. Anthropology

انتقادی مشاهده می‌کنند و از همین‌روست که حتی در تربیت کودکان مقوله‌ای به‌نام «فلسفه برای کودک» از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است. مطالعه فلسفه نهایتاً می‌تواند این نگاه را در خواننده و پژوهشگر رقم بزند که چگونه با سؤالات مهمی که اتفاقاً می‌توان خیلی راحت به آن‌ها پاسخ‌های سطحی داد، به‌نحو عمیق‌تر و دغدغه‌مندتری مواجه شد و با مواجهه مؤثر با این سؤالات، ذهن را درگیر جوانب مختلفی از یک مسئله نمود که سایر انسان‌ها معمولاً متوجه این افق‌های جدید در مسئله مزبور نبوده‌اند. البته این امر نیز به‌نوبه خود، سبب تحول‌های بزنگاه و بنیادینی در دانش بشر نسبت به آن مسئله و پدیده خواهد شد.

به نظر بهتر است بیش از این به بحث حیطه‌ها و مسائل و کارکردهای فلسفه پرداخته نشود و دانشجوی عزیز با ورود به مطالعه و مرور سیر مبسائل فلسفه عملاً با دو حوزه وجودشناسی و معرفت‌شناسی در فلسفه آشنا شده و اهمیت و کارکرد فلسفه را درک کند.





# فصل اول

## دوره یونان باستان از تالس تا سقراط

### هدف کلی

آشنایی با اولین سؤال‌هایی که موجب شدند جریان تفکر فلسفی در یونان باستان آغاز گردد و مسیری که پاسخ‌ها به این مسائل در حوزه تمدن یونانی پیمودند.

### هدف‌های یادگیری

دانشجوی محترم با فراگیری این فصل باید بتواند:

۱. مسئله‌های اصلی اولیه (خاستگاه اصلی) که موجب پدیدآمدن تفکر فلسفی شدند، را فراگیرد.
۲. باید وجه تمایز تفکر فلسفی از تفکر اساطیری و اسطوره‌ای را درک کند.
۳. هویت مشترک فیلسوفان ملطی را به‌عنوان خاستگاه طرح اولین ایده‌های فلسفی یونانیان فهم نماید.
۴. بتواند نسبت تفکر فلسفی ملطیان با فیثاغوریان و هراکلیتوس را درک کند.
۵. بازخوردهای تعارض میان هراکلیتوس با پارمنیدس و زنون را در اتمیست‌ها و سوفسطائیان رصد نماید.
۶. نهایتاً نحوه تعامل سقراط با شکاکیت برخاسته از اتمیسم و سوفیسم و اصطلاحاً شیوه دیالکتیک سقراطی را فراگیرد.

## مقدمه

در این فصل از بخش یکم به بحث از ایده‌های فلسفی نخستین متفکران یونان باستان پرداخته می‌شود. تالس و آناکسیمندر و آناکسیمنس نخستین فیلسوفان در حوزه تفکر فلسفی هستند که سؤال از منشأ واحد موجودات را برای نخستین مرتبه مطرح می‌کنند. تا پیش از این عمدتاً تفکرات یونانی تحت تأثیر آموزه‌های خدایان نگاهی اساطیری به جهان و منشأ پدیده‌های آن داشتند. که بیشتر در نمایشنامه‌ها و داستان‌های ایشان به آن‌ها پرداخته می‌شد. اما با ظهور متفکران ملطی (که در بالا اشاره شد) سؤال از منشأ واحد برای موجودات به‌طور جدی مطرح گردید. در پاسخ‌هایی که به این سؤال داده شد دیگر ردپایی از الهه‌ها و خدایان وجود نداشت. از همین‌رو آغاز دوره فلسفی اندیشیدن بشر را معمولاً از این مقطع محسوب می‌کنند. بررسی این سؤال و پاسخ‌هایی که به آن از سوی سایر متفکران یونانی مطرح شده است، محتوای این فصل را شکل می‌دهد. البته در این فصل از کتاب پاسخ‌هایی که تا قبل از نظام‌سازی‌های فلسفی و متافیزیکی افلاطون و ارسطو مطرح شده است، بررسی می‌شوند. اما از سقراط به این سو، تحت تأثیر سوفیست‌ها مسئله اصلی در فلسفه از سؤال پیرامون منشأ اصلی موجودات به سؤال از اینکه ماهیت واقعیت چیست و اینکه آیا اصولاً شناخت واقعیت ممکن هست یا خیر؟ عوض می‌شود. لذا متفکرانی مانند افلاطون و ارسطو در مقام پاسخگویی به سؤال جدید مجبور به ارائه نظام‌های متافیزیکی و وجودشناختی برای حل این مسئله می‌شوند و دوره جدیدی در فلسفه رقم می‌خورد که در فصل آتی مورد بحث واقع شده است.

## ۱-۱ ملطیان

ارسطو معتقد است تالس (۵۴۵-۶۲۵ ق.م) بنیان‌گذار فلسفه است (ارسطو، ۱۳۶۷: ۱۲) و از همین‌رو معمولاً بحث تاریخ فلسفه با تالس آغاز می‌گردد. البته واقعیت آنست که فیلسوفان هندی و چینی و ایران باستان قبل از تالس بوده‌اند و این نگاه امری پذیرفته‌شده نزد مورخان فلسفه است. اما از آنجا که بنای این اثر ورود به مباحث تخصصی در تاریخ فلسفه نیست و هدف آن، آشنایی مخاطبان با کلیت و چارچوب و سیر ماجرای فلسفه می‌باشد. از ورود به این بحث که واقعاً به لحاظ تاریخی سیر آغاز

فلسفه از کدامین تمدن نشئت گرفته است؟ پرهیز شده و مانند عرف رایج در مورخان فلسفه توضیح سیر تفکر از فیلسوفان ملطی<sup>۱</sup> آغاز می‌شود.

### ۱-۱-۱ تالس<sup>۲</sup>

تالس از این جهت سرآغاز فلسفه محسوب می‌شود که اولین متفکری است که بحث از بازگشت موجودات متکثر به یک اصل واحد و منشأ واحد را مطرح کرده است. به عبارت دیگر بحث «وحدت در کثرت» ابتدا از سوی او مطرح شده است.

او معتقد است اصل و منشأ همه موجودات و واقعیات متمایز «آب» است. این سخن وی یعنی اینکه او در ورای موجودات متکثر و متمایز به دنبال یک امر واحد می‌گردد که همه را به آن پدیده یکتا بازگرداند (بریه، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۲). پس در واقع درک حسی ما از موجودات مختلف را کافی و تمام نمی‌داند و معتقد است باید در ورای این پدیده‌های محسوس یک امر دیگر نهان و مستتر باشد که ریشه آن‌ها است. یعنی میان واقعیت اصیل و نمود حسی اشیا، تمایز قائل می‌شود و به نوعی تمایز میان «نمود» و «بود» اشیا را می‌پذیرد (ملکیان، ۱۳۷۷: ۱۹).

لذا باید گفت اگر آغاز فلسفه را با تالس بدانیم یعنی پذیرفته‌ایم اولین نگاه و مسئله در فلسفه یگانه‌انگاری موجودات متکثر یا همان آموزه «وحدت در کثرت» است. اتفاقاً همین مسئله است که باعث شده برخی مورخان تالس را آغازگر فلسفه ندانند زیرا آموزه «وحدت در کثرت» ذاتاً یک نگاه عرفانی به هستی و جهان است که در تفکرات عرفان هندی و چینی و ایران باستان که قبل از تالس بوده‌اند، ریشه داشته است. پس این فرض تقویت می‌شود که این سؤال معلول آشنایی تالس با تفکرات یادشده بوده است. اما همان‌طور که اشاره شد این کتاب درصدد بررسی سرآغاز این سؤال نیست بلکه صرفاً از باب تنویر ذهن مخاطب به آن اشاره شد.

آموزه دومی که در تفکر تالس سبب می‌شود، اندیشه وی رنگ و بوی فلسفی بگیرد آنست که آهن‌ربا را جاندار می‌پندارد (یعنی جاندارپنداری جمادات). اینکه جاندارپنداری

۱. حوزه جغرافیایی «ملط» (Melitus) شهر معروف در ایالت ایونیة یونان باستان در سده ششم قبل از میلاد بوده است. امروزه حوزه جغرافیایی آن در سواحل دریای اژه واقع در استان آیدین ترکیه قرار دارد. سه فیلسوف ذکر شده در این قسمت متعلق به این منطقه هستند و لذا در کتب فلسفی به عنوان مکتب فلسفه ملطی از ایشان نام برده می‌شود.

2. Thales

از کجا به تفکر بشر راه یافته و اصولاً چرا بشر در مقابل تن و بدن به بُعد و ساحت دیگری به نام «جان» یا «روح» یا «نفس» قائل شده است، حداقل پنج فرضیه جدی برایش مطرح گردیده است (ملکیان، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۳). اما به هر رو در تفکر اسطوره‌ای یونان نماد و شاخصه اصلی برای جاندار بودن پدیده‌ها در حرکت داشتن ایشان تلقی شده است. یعنی پدیده و شیئی جاندار در نظر گرفته می‌شد که واجد حرکت بود. البته منشأ حرکت این امور جاندار از نگاه اندیشه اساطیری یونان خدایان بودند. اما یکی از تمایزات مرحله فلسفی تفکر یونانی با مرحله اسطوره‌ای‌اش در همین نکته مستتر است. مرحله فلسفی عامل حرکت را در درون اشیا و موجودات متحرک جستجو می‌کند و نه در بیرون آن‌ها و در خدایان. لذا در مرحله فلسفی، اندیشمندان یونانی از خدایان فاصله گرفته و «جان»، «روح» یا «نفس» را به عنوان عاملی درونی برای حرکت پدیده‌های متحرک لحاظ می‌کنند و یکی از جلوه‌های اولیه این نگاه، در جاندارپنداری آهن‌ریا در اندیشه تالس بروز و ظهور می‌یابد. از همین روست که تالس را آغازگر فلسفه یونان در نظر می‌گیرند. زیرا اولین سؤال‌ها و اولین نگاه‌های فلسفی در تقابل با دوره اسطوره‌ای از وی آغاز می‌شود.

در دوره اسطوره‌ای اولاً منشأ پدیده‌ها خدایان لحاظ می‌شدند و لذا ردپایی از یگانه‌انگاری در منشأ و اصل پدیده‌ها در این دوره مشاهده نمی‌شود. از همین رو اولین نگاه وحدت‌گرا به پدیده‌های متمایز، در تفکر تالس رقم می‌خورد. از سوی دیگر با طرح بحث «نفس» و «روح» در پدیده‌های جامد و بی‌جان مانند آهن‌ریا شاهد تأکید بر درونی‌دانستن عامل حرکت و تغییر در جهان هستیم. پس تالس به عنوان اولین متفکر یونانی باید لحاظ شود که با دو آموزه فوق‌الذکر مرحله اسطوره‌ای اندیشه یونانی را پشت سر می‌گذارد و ثنوری خدایان را به عنوان نماد اصلی دوره اساطیری در مقام توضیح چگونگی پدیدآمدن حرکت و تغییر در اشیا، طرد می‌کند.

#### ۱-۱-۲ آناکسیمندر<sup>۱</sup> (۶۱۰ ق.م)

آناکسیمندر که معاصر تالس است، آب را اصل و منشأ اشیا نمی‌داند بلکه معتقد است امری در ورای عناصر اربعه (آب و آتش و هوا و خاک) وجود دارد که منشأ و هویت اصیل اشیا را تشکیل می‌دهد (کاپلستون، ۱۳۶۸، ج ۱: ۳۴). او این عنصر اصیل را دارای دو ویژگی می‌داند: الف) عدم تعین و ب) عدم تناهی.